تهمینه میلانی، کارگردان فیلم «آتش‌بس۲»:

همچنان مدافع حقوق زنان هستم



فرانک آرتا

تهمینه میلانی، بعد از فیلم «آتش‌بس»، دومین قسمت از مجموعه فیلم آموزشی خود را در قالب «آتش‌بس۲» کارگردانی کرد. او در این فیلم هم ساختار خانواده و روابط زن و مرد را نشانه گرفته است، با این رویکرد که همچنان طرفدار زن فیلم است، هرچند در این گفت‌وگو اظهار کرد مخالف مردان نیست، اما همچنان از حقوق زنان دفاع می‌کند. البته «آتش‌بس۲» جزو فیلم‌های پرفروش این روزهای سینمای ایران شده، به‌طوری که سینمادران خواستار ادامه اکران این فیلم در سینماها هستند.



عکس: معصومه صالح بیگی

از ابتدا فکر می‌کردید « آتش‌بس۲»، فیلمی پرفروش شود؟

فکر می‌کردیم به دلیل موضوع و نیاز جامعه به نکاتی که در فیلم اشاره می‌شود، از فیلم استقبال شود. اما به فروش آن فکر نمی‌کردیم. بر اساس تجارب ما، فروش یک فیلم به عوامل بسیاری بستگی دارد که یکی از آنها موضوع فیلم و نوع پرداخت آن است.

یعنی به المان‌های فروش بالای فیلم فکر نکرده بودید؟

خب، طبیعتا هر فیلمسازی به امید داشتن مخاطبان بسیار، فیلم می‌سازد. اما همان‌طور که در فیلم می‌بینید، هدف ما بیش از فروش تاثیرگذاری آن بر خانواده‌ها به‌ویژه زوج‌های جوان بود. اگر می‌خواستیم صرفا یک فیلم پرفروش بسازیم، «طنز» فیلم را بیشتر می‌کردیم. یعنی شخصیت‌هایی که در فیلم تماشاگر را می‌خنداندند را بسط می‌دادیم. درحالی که شما در فیلم می‌بینید از آنها بهره گرفته‌ایم تا با جذب تماشاگران، بتوانیم تاثیر مثبت بر روابط زوجین بگذاریم و ایده‌هایمان را به آنها منتقل کنیم.

چرا دومین قسمت از سری فیلم‌های «آتش‌بس» را ساختید؟

ما این فیلم را از روی نیاز ساختیم؛ نیاز روانی و اجتماعی. یعنی به زندگی مردم نگاه کردیم و تصمیم گرفتیم براساس نیاز جامعه این فیلم را بسازیم و البته متوجه خطراتی که فیلم را تهدید می‌کرد، هم بودیم. یادم هست زمانی‌که روی نوشتن فیلمنامه متمرکز شده بودم، با یکی از کارگردان‌های مطرح کشورمان موضوع را در میان گذاشتم. ایشان به من گفت از جماعت روشنفکرنما بترس؛ از حملاتی که در انتظار توست. خواهند گفت: دوباره این خانم برای ما نسخه پیچید و... . من هم در جواب گفتم برای من فرقی نمی‌کند، هرچه می‌خواهند بگویند. ما حرف‌هایی داریم که می‌خواهیم در قالب فیلم سینمایی بزنیم. می‌خواهیم مردم پول بدهند و بلیت بخرند و در سالن تاریک سینما بنشینند و در حالی‌که به خودشان می‌خندند، فیلمی آموزشی ببینند، تا وقتی از سالن سینما بیرون می‌آیند، تغییر کوچکی کرده باشند یا دست‌کم چراغی در درونشان روشن شده باشد و این از نظر ما یعنی یک موفقیت بزرگ.

با این نگاه، هدفتان ساخت فیلم آموزشی بود؟

کاملا. هدف ما ساخت یک فیلم آموزشی بود.

آیا به هدفتان رسیدید؟

بله. ما یک فیلم اجتماعی آموزشی با ساختاری نو از ظرایف زندگی ساخته‌ایم؛ داستان‌های کوتاهی که به شکل دانه‌های تسبیح یا گردنبد با طنزی امروزی و مدرن که در نخ یا زنجیری به نام خوشبختی مجموعه‌ای از ظرافت‌های زندگی را می‌سازد.

ولی بیشتر به نظر می‌رسد فیلمی خانوادگی است؟

خب، خانواده یک جامعه کوچک است که در کنار یکدیگر محله، شهر و یک کشور را می‌سازد. به زبان دیگر، سلول‌های جامعه از افراد و خانواده ایشان تشکیل شده است. بنابراین سلامت خانواده، یعنی سلامت شهر و کشور. ما معتقدیم برای داشتن جامعه سالم و روبه‌رشد باید توجه خود را متوجه خانواده کنیم. اگر افراد جامعه در خانواده خود خوشحال و خوشبخت باشند، تاثیر مثبت آن در جامعه بزرگ‌تر نمود پیدا می‌کند. برای تحقق این امر، فرمول‌ها و مهارت‌هایی وجود دارد که باید آنها را کسب کرد. گرچه این فیلم درباره طیف خاص اقتصادی و اجتماعی ساخته شده است، اما تاثیر خود را روی طبقات مختلف می‌گذارد.

شاید یکی از دلایلش این باشد که فیلم طبقه متوسط شهری روبه‌رشد را نشانه گرفته است. به طوری که الان می‌توانیم این طبقه را در برخی از شهرها و شهرستان‌های ایران ببینیم که البته گسترش آن به دلایل متعددی مرتبط می‌شود؟

البته من فکر می‌کنم طبقه متوسط دارد کم‌کم ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و فاصله طبقات بیشتر و بیشتر؛ یعنی بر مبنای سیستم اقتصادی حاکم، ثروتمندان هرروز به‌طور تصاعدی ثروتمندتر می‌شوند و طبقات پایین جامعه هرروز فقیرتر. امیدوارم دولت جدید ترفندهایی را به‌کار ببرد تا بتواند وضعیت طبقات زیرین جامعه را رشد دهد. متاسفانه سیاست‌های اقتصادی نادرست و کارشناسی‌نشده دودولت پیشین، به اختلاف عمیق طبقات منجر شد و حتی به لحاظ روانی صدمات گاه جبران‌ناپذیری به طیف‌های مختلف طبقه متوسط وارد آورد.

می‌دانیم اتفاقات هشت‌سال دولت گذشته تاثیراتش را گذاشت. اما به‌طور کلی منظورم بعد از پیروزی انقلاب بود. بگذریم. در فیلم «آتش‌بس ۱» به زندگی مشترک دوجوان تحصیلکرده از طبقه متوسط رو به بالا را به تصویر کشیدید و ناهنجاری‌های روابط زن و شوهر را نشان دادید. اما در «آتش‌بس۲»، پسربچه‌ای وارد داستان شد که می‌شد تمرکزتان روی روابط این سه‌نفر باشد. اما این اتفاق نیفتاد. چرا؟

خب، در کنار مسایل تربیتی کودکان در خانواده‌های امروز مشکلات ارتباطی بسیار دیگری هم وجود دارد که حتی تربیت کودکان را هم تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. هر فیلمی کانسپت و محور کلی خود را دارد که قصه و روابط مبتنی بر آن شکل می‌گیرد. فیلم «آتش‌بس » موضوع شفای کودک درون را مطرح می‌کرد و سرمنشأ لجولجبازی‌ها را در خانواده‌ها نشان می‌داد. اما فیلم «آتش‌بس۲» به ظرایف زندگی خانوادگی توجه دارد. در فیلم می‌بینید به طور مستقیم اشاره‌ای به کودک درون نمی‌شود و زندگی زوج جوان و تحصیلکرده‌ای که درگیر «کودک و والدشان» هستند، به نمایش گذاشته می‌شود. بنابراین کانسپت کودک بخشی از مشکل است، نه همه آن.

اما حضور کودک در فیلم هم باید دلیلی داشته باشد؟

البته. در فیلم «آتش‌بس۲» افراد متفاوت، به دلیل خاصی وارد قصه یا از آن خارج می‌شوند. تلاش ما این است که زوجی را به تصویر بکشیم که در عین بهره‌مندی از ظواهر زندگی مدرن، تفکر مدرنی ندارند و با تکیه بر والد خود، در ارتباط با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و برخلاف پدر و مادرهای خود که شانس کمی از انتخاب زوج خود برخوردار بودند، با وجود انتخاب آزاد جفت خود، مسوولیت این انتخاب و کلا انتخاب رفتار، کردار و تفکر خود را نمی‌پذیرند.

لزوم پرداختن به «تئوری انتخاب» در فیلم چه بود؟

فکر می‌کنم تئوری انتخاب، اولین‌بار توسط ویلیام گلاسر مطرح شد. این تئوری برخلاف تئوری فروید که زندگی امروز ما را تحت تاثیر گذشته و به‌ویژه آسیب‌های دوران کودکی می‌داند، می‌گوید بخش مربوط به افکار و رفتار ما تحت‌کنترل خود ماست و این ما هستیم که بر اساس افکارمان، دست به انتخاب‌هایی می‌زنیم؛ انتخاب‌هایی که زندگی و روابط بین‌فردی ما را شکل می‌دهد. طبعا اگر انتخاب‌های درستی داشته باشیم، به شادی درونی می‌رسیم ولی اگر انتخاب‌های ما نادرست باشد، موجب ناخشنودی ما و البته دیگران خواهد شد.

براساس این تئوری، ما برای رسیدن به شادی، باید انتخاب‌های درستی داشته باشیم. این تئوری می‌گوید گرچه ما نمی‌توانیم احساسمان را عوض کنیم، اما قادر به تغییر رفتار و افکارمان هستیم. زمانی‌که توانستیم در رفتار و افکارمان تغییر ایجاد کنیم، عملا می‌توانیم از ناخشنودی‌ها فاصله بگیریم. گرچه این دیدگاه کمی از نظر علمی زیاده‌روی می‌کند و روی زمان حال تاکید بسیار دارد و می‌گوید همین‌حالا شما با آگاهی از این توانایی، می‌توانید رفتار خود را اصلاح کنید، اما در زمینه روابط بین‌فردی، این تئوری، قابل‌توجه است و در جامعه ما کارایی دارد چرا که فرهنگ عامه مردم ما، به تاثیر عوامل بیرونی در ناکامی‌ها اعتقاد دارد. توجه کنید زمانی‌که در فوتبال یا هررشته ورزشی می‌بازیم، تقصیر را گردن مربی یا داور می‌اندازیم. وقتی در زندگی خانوادگی شکست می‌خوریم، تقصیر را متوجه پدر و مادرمان می‌دانیم و...؛ بنابر این می‌بینید که ترکیبی از عوامل مختلف در ناکامی‌ها دخیلند و ظاهرا خود ما هیچ‌اشتباهی نمی‌کنیم.

اساسا وظیفه یک فیلم دادن راه‌حل نیست، طرح معضلات است. اما ما در فیلم «آتش‌بس۲» کمی پایمان را فراتر گذاشته و از زبان مشاور گاه راه‌حل‌های عملی چون استفاده از عبارات زیبا برای بیان عشق و علاقه به همسر خود را مطرح می‌کنیم

چرا اینطور شده‌ایم؟

به دلیل سابقه تاریخی. دولت‌هایی که مردم را آزاد نمی‌گذاشتند و همین امر به شکل سنتی باعث شد تا ما نسل‌اندرنسل دیگران را مسوول ناکامی‌هایمان بدانیم و مسوولیت را از گردن خود برداریم. آزاد فکر نکنیم و مسوولیت انتخاب‌هایمان را بر عهده نگیریم.

بر اساس تئوری انتخاب، مسوول اعمال، خود ما هستیم. این تئوری می‌گوید شما هرلحظه انتخاب می‌کنید. پس درست انتخاب درست کنید. خود من عقیده بینابینی دارم و می‌گویم گذشته ما حتما روی ما اثر گذاشته است. اما امروز با تکیه بر دانش اجتماعی و علمی می‌توانیم خودمان را رشد بدهیم. می‌توانیم حرف‌های گذشته را تکرار نکنیم و دست به انتخاب‌های بهتر بزنیم، مثلا خسرو (بهرام رادان) در جایی می‌گوید: تا بوده، همین بوده (والد) و در جایی: من جلوی بابام پامو دراز نمی‌کردم، یعنی این مساله از کودکی تا امروز با او همراه است. یا ماشینی را که می‌خواهد برای پسرش بخرد، خودش انتخاب می‌کند و سوار می‌شود.

خب، مشخص است که خسرو، نداشته‌های دوران کودکی‌اش را الان می‌خواهد در قالب خواسته‌های پسرش جبران کند، مثلا سوار ماشین بچه می‌شود، بازی کامپیوتری می‌کند و به نقاشی‌های پسرش اهمیت نمی‌دهد و... اما اگر بگوییم فیلم در قالب فیلمی آموزشی نسخه‌ای هم می‌پیچد، چرا درباره روابط پدر و پسر راه‌حلی ارایه نمی‌دهد؟

اساسا وظیفه یک فیلم دادن راه‌حل نیست، طرح معضلات است. اما ما در فیلم «آتش‌بس۲» کمی پایمان را فراتر گذاشته و از زبان مشاور گاه راه‌حل‌های عملی چون استفاده از عبارات زیبا برای بیان عشق و علاقه به همسر خود مطرح می‌کنیم. به هرحال، این فیلم در مورد ارتباط پدر و فرزند به‌طور خاص نیست و همان‌طور که عرض کردم در مورد ظرافت‌های زندگی زناشویی و خانوادگی است که فرزند خانواده هم بخشی از آن است. نوشتن فیلمنامه «آتش‌بس۲»، به دلیل توجه به این ظرافت‌ها سخت‌ترین فیلمنامه‌ای بود که من تا امروز نوشته‌ام. هرکلمه از این فیلمنامه با آگاهی از تاثیر در ناخودآگاه تماشاگر نوشته شده است.

در این فیلم دایما جنگ‌وجدل زن و شوهر را می‌بینیم: بدون عبارات زشت و به‌دور از احساس تنفر نسبت به آنها؟

بله. شما در این فیلم چندین و چند بار شاهد بحث و جدل زوج فیلم هستید، بدون آنکه از کلام سخیف یا زشتی استفاده کنند. روشی که متاسفانه امروزه در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها شاهد آن هستیم. علاوه بر اینکه استفاده از کلمات و الفاظ زشت در ناخودآگاه تماشاگر تاثیر دارد، قرار نیست که تماشاگر از این زوج بدش بیاید. برای همین برای نوشتن هرتکه از فیلمنامه «آتش‌بس۲» هفته‌ها درباره آن تحقیق کردم.

چرا خسرو (بهرام رادان) و ترانه (میترا حجار) اینقدر خودشیفته‌اند؟

چطور؟

چون عکس‌های خودشان را در ابعاد بزرگ در خانه‌شان نصب کرده‌اند؟

مگر غیر از این است که اغلب زوج‌ها عکس‌های خود را از عکس نامزدی، عروسی و گاه عکس‌های آتلیه‌ای خود و اعضای خانواده را در اتاق خواب، هال و پذیرایی می‌آویزند. خسرو و ترانه هم نمونه‌ای از همین افراد هستند، حال گیرم باسلیقه‌تر. هرعکسی که در خانه خسرو و ترانه می‌بینید، بر اساس شخصیت آنها و حساب‌شده است.

یکی از شخصیت‌های جذاب فیلم، نقره (گوهر خیراندیش) بود. لزوم حضورش در فیلم چه بود؟

«نقره» نمونه‌ای از زن‌های پیرامون ماست که می‌توان گفت نقطه مقابل آدم‌هایی چون ترانه است. این افراد با باورهای سنتی خود اساسا مرد را «آقای خانه» می‌دانند و ارباب زن مطلقا تو کتشان نمی‌رود. نقره به این دلیل وارد قصه شده است تا احساس رضایت خسرو را در مقابل سرویس‌هایی که میل دارد از همسر خود حتی بگیرد به نمایش بگذاریم. احساس ارباب‌بودن... هرکدام از شخصیت‌ها به اندازه‌ای که لازم بود در قصه فیلم ورود می‌کنند.

شما که تجربه خوبی درباره طنز دارید، چرا فیلم کمدی را تجربه نمی‌کنید؟

هدف ما ساختن فیلم طنز صرف نیست. از قالب طنز استفاده می‌کنیم تا با خنداندن تماشاگران، آنها را به فکر وادار کنیم تا در ادامه تغییر مثبت در زندگی ایشان ایجاد کنیم.

با وجود پایان‌بندی نامناسب و نچسب بسیاری از فیلم‌ها در این سال‌ها، به نظرم پایان فیلم که نشان می‌دهد خسرو آکرو فوبیا (ترس از ارتفاع) دارد، ولی سال‌هاست به‌خاطر ترس به همسرش نگفته، جالب بود.

این مساله هم از مشکلات فرهنگی و تربیتی ماست. مرد نباید گریه کند. مرد اگر از چیزی بترسد، مرد واقعی نیست و از این قبیل عبارات که انسان‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد.

چرا دکتر را از مطب بیرون آوردید؟ مگر در ایران روانشناسان اینگونه‌هستند؟

امروزه روانشناسی در جهان غرب رشد بسیاری کرده است تا جایی که گاه روانشناس از کلینیک بیرون می‌آید تا با همراهی مراجعان، بهتر و عملی‌تر به آنها سرویس دهد. ترس از ارتفاع، ترس از جنگل، ترس از در جمع‌بودن یا تاریکی ... . من هم در فیلم «آتش‌بس۲» روانشناس (مشاور) را از کلینیک بیرون آوردم تا علاوه بر دادن مشاوره، جهت حل مشکلاتی که خسرو و ترانه دارند، به رنجی که خسرو از فوبیای پرواز دارد، خاتمه دهد.

از اینکه فیلمتان ادعای واقع‌گرایی و واقع‌نمایی ندارد، نظرتان چیست؟

فیلم ما کاریکاتوری از زندگی است تا بدون تمرکز بر رفتارهای واقع‌گرایانه که گاه تند و تلخ است، به تصویر کلی ارتباطی این دوزوج برسیم.

فیلم‌های مهمی ساخته شده‌اند که درباره فاصله و جدایی آدم‌ها هستند. چرا شما روی وصل‌شدن آدم‌ها در فیلم تاکید دارید؟

درست می‌گویید، فاصله و جدایی دراماتیک‌تر از وصل است. اساسا خوشبختی دراماتیک نیست که بشود در مورد آن فیلم ساخت. برای همین می‌گویم که نوشتن فیلمنامه «آتش‌بس۲» بسیار دشوارتر از فیلمنامه «دوزن»، «واکنش پنجم» یا «نیمه پنهان» بود، چون اصلا دراماتیک نبود و از کنار هم‌چیدن اجزای ریز زندگی به کلیتی از آن می‌رسید.

چرا فیلم پردیالوگ است؟

نوع فیلم چنین چیزی را طلب می‌کرد. معمولا در فیلم‌های روانشناختی، در اغلب نقاط دنیا، چون محتوای داستان‌ها اغلب بر اساس رابطه بین دونفر و بیان این رابطه و مشکلات، برای مشاور است، طبعا پردیالوگ می‌شود. اما خوشبختانه تماشاگران فیلم «آتش‌بس۲» چنان درگیر شخصیت‌ها و دیالوگ‌های حساب‌شده فیلم می‌شوند که حجم دیالوگ را احساس نمی‌کنند.

با دکترفرهنگ هلاکویی درباره چه مسایلی مشورت کردید؟

دکترفرهنگ هولاکویی از دوستان من و همسرم هستند و پیش از این، برای نوشتن فیلمنامه‌های سوپراستار، تسویه‌حساب، یکی از ما دونفر، فری کثیف و... به ما مشاوره داده‌اند. ایشان با آگاهی از متن فیلمنامه، بدون هیچ چشمداشت مادی، کلیه مستندات و تجربیاتی که داشتند را در اختیار من گذاشتند و پس از نوشتن فیلمنامه تصحیحات مختصری انجام دادند.

مثلا در چه مواردی؟

مثلا جایی از قول دکتر نوشته بودم «برای خانمی که پا به سن گذاشته» دکترهلاکویی روی نوشته من افزوده بودند «برای خانمی که فکر می‌کند پا به سن گذاشته»، یعنی دکتر نباید صراحتا در مورد سن مراجعه‌کننده، اظهارنظر کند.

در فیلم کمی حق را به زن قصه داده‌اید تا مرد. اینطور نیست؟

خب، جامعه ما یک جامعه مردسالار است. برای همین مردها از حق و حقوقی برخوردارند که خانم‌ها نیستند. همین حق و حقوق بیشتر و البته امتیازات سنتی مرد ایرانی در تقابل با روابط مدرن زناشویی جامعه، مشکل ایجاد می‌کند. وقتی مرد خودش را رییس خانه می‌داند، طبعا تعارض به وجود می‌آید. البته خسرو به وجودآورنده این حق و حقوق نیست، اما ما در فیلم به او می‌گوییم به جای این روش، می‌تواند روش بهتر و سالم‌تری انتخاب کند تا ارتباط او با همسرش انسانی‌تر و عمیق‌تر شود. البته اعمال و انتخاب‌های ترانه هم در این فیلم نقد می‌شود. او این تصور غلط را از پیشینیان خود به ارث برده که ازدواج کرده است تا همسرش خرج او را بدهد. در حالی که می‌تواند روش دوستانه‌ای برای تقسیم مسوولیت در خانه و اشتراک در مخارج آن انتخاب کند. مواردی از این‌دست ثابت می‌کند زن ایرانی هنوز یک زن مدرن نیست و هرکجا منافعش ایجاب کند، گوشه‌چشمی به سنت می‌اندازد.

فیلم «آتش‌بس۳» درباره چه خواهد بود؟

در مورد دخترخانم‌هایی که به آستانه ۴۰سالگی رسیده‌اند و هنوز ازدواج نکرده‌اند. فیلمنامه داستان دختری را نقل می‌کند که خانواده، آشنایان و دوستان او تصمیم می‌گیرند، به هرقیمتی شده او را شوهر دهند. برای همین دست در دست یکدیگر برای او خواستگارهای متنوعی پیدا می‌کنند.

«آتش‌بس۳» را چه وقت کلید می‌زنید؟

قصد ندارم پشت سر هم طنز بسازم. بنابراین می‌خواهم ابتدا «تنهایی پرهیاهو» را بسازم و بعد «فری کثیف» را و بعد از آن شاید «آتش‌بس۳» را بسازم.

از نظر شما این روزها فضا برای فیلمسازی چگونه است؟

بهتر از دودولت قبل است. اما با ایده‌آل فاصله زیادی دارد که گمان می‌کنم ناشی از فشارهای زیاد روی وزیر ارشاد و رییس سازمان سینمایی است.

ادامه در صفحه ۱۱

سکانس

جایزه ویژه جشنواره فیلم مستقل آمریکا برای «هیس!...»

شرق: فیلم سینمایی «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» به کارگردانی پوران درخشنده، جایزه ویژه الماس بهترین فیلم بلند داستانی را از جوایز بین‌المللی فیلم مستقل آمریکا به‌دست آورد. «هیس!...» به کارگردانی پوران درخشنده در جدیدترین حضور بین‌المللی خود در جشنواره بین‌المللی فیلم مستقل آمریکا به نمایش درآمد و توانست جایزه ویژه الماس بهترین فیلم بلند داستانی این رویداد را از آن خود کند.

جوایز بین‌المللی فیلم مستقل آمریکا در فصل پاییز، در هفت‌بخش مختلف از جمله فیلم‌بلند داستانی، مستند، کوتاه‌داستانی، موزیک‌ویدیو، انیمیشن، تجربی و... به فیلم‌هایی از کشورهای مختلف اهدا شد. جوایز بین‌المللی فیلم مستقل آمریکا همه‌ساله با هدف کشف استعدادهای جدید در بخش‌های مختلف سینما و در چهارفصل، با شرکت آثار فیلمسازان مستقل و بااستعداد سراسر جهان در آمریکا برگزار و جوایز بهترین نمایش، جایزه الماس، جایزه پلاتین، جایزه طلایی، جایزه نقره‌ای، جایزه برنز و لوح‌تقدیر به بهترین‌ها اهدا می‌شود.

«هیس!...» پیش از این، جایزه فیلم منتخب تماشاگران در سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جایزه بهترین فیلمنامه و جایزه بهترین بازیگری زن و لوح تقدیر بهترین فیلم بخش مسابقه داستانی در جشنواره فیلم‌های مستقل زنان آمریکا، جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره بین‌المللی فیلم‌رنگین‌کمان‌انگلستان، جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره بین‌المللی فیلم اروین آمریکا، جایزه بهترین فیلم از چهارمین جشنواره فیلم‌های ایرانی لندن، جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در جشن انجمن منتقدان سینمای ایران و همچنین تندیس حافظ و لوح‌تقدیر بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگری مرد در چهاردهمین جشن حافظ را دریافت کرده است.



تماشا خانه

«مردی برای تمام فصول» از ۱۷ آبان در تالار وحدت

شرق: سرانجام بعد از چندین سال «مردی برای تمام فصول» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا از ۱۷آبان به‌صورت رسمی روی صحنه تالار وحدت می‌رود. این نخستین تجربه فرمان‌آرا به‌عنوان کارگردان تئاتر است که از چندسال پیش بارها تا آماده‌شدن برای اجرا رفت اما در نیمه راه به‌دلایل متعدد کنسل شد. فرمان‌آرا زمانی درباره این نمایش گفته بود: «تا آن را اجرا نکنم خیال مردن ندارم.» حالا قرار است این کارگردان به همراه رضا کیانیان که آرزویش بازی در این نمایش است، نیمه دوم آبان‌ماه آن را در تالار وحدت اجرا کنند؛ نمایشی نوشته رابرت بولت و ترجمه فرزانه طاهری که پیش از انقلاب فیلمی از روی آن هم ساخته و البته توقیف شد. علاوه بر رضا کیانیان، سیامک صفری، هدایت هاشمی، بهناز جعفری، هوتن شکیبا و... دیگر بازیگران این نمایش هستند. تهیه‌کنندگی نمایش را هم خود فرمان‌آرا بر عهده گرفته و منوچهر شجاع به عنوان طراح صحنه، نگار نعمتی و ندا نصر به‌عنوان طراحان لباس و کارن همایون‌فر به‌عنوان آهنگساز با فرمان‌آرا همکاری می‌کنند.

پرده نقره‌ای

در حاشیه فیلم «آتش‌بس۲»

وقتی در بر یک پاشنه می‌چرخد



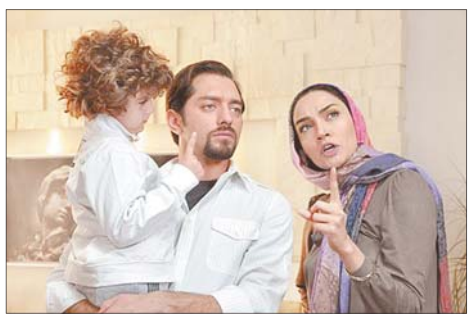
سحر عصر آزاد

«آتش‌بس۲» فیلمی است که در جذابیت‌های اولیه طرح مسایل زوج‌های امروزی بر بستر طنز متوقف مانده و بیش از آنکه یک فیلم دراماتیک باشد، به نسخه‌ای درهم‌پیچیده و بی‌بهره از ظرافت‌های هنری می‌ماند.

سیزدهمین فیلم از کارنامه سینمایی تهمینه میلانی غیرقابل پیش‌بینی نیست؛ نویسنده- کارگردانی که در دهه پرمخاطره ۶۰ یکی از سه فیلمساز زن سینمای ایران با رویکرد اجتماعی بود و همچنان همان است، با این تفاوت که دغدغه دفاع از حقوق زنان به دیگر دلمشغولی‌هایش غلبه کرده که البته کیفیت نگاه او به مسایل و مشکلات زنان قابل بحث است.

میلانی که فانتزی کودکانه «کاکادو»، کمدی‌فانتزی «دیگه چه خبر؟» و ملودرام‌فانتزی «افسانه آه» را در کارنامه‌اش دارد با «دو زن»، «نیمه پنهان»، «واکنش پنجم» و «زن زیادی» نگاه جانبدارانه به مسایل زنان را به عنوان دغدغه محوری در فیلم‌های خود مدنظر قرار داد؛ فیلم‌هایی که حتی با ارجاع به رئالیسم زمان حال، نوستالژی گذشته، رویدادهای صفحه حوادث و حتی آثار جاده‌ای، حرف اول و آخر را در آنها یک نکته بیان می‌کند: زاویه نگاهی که هرچند ظاهرا حقوق تضییع‌شده زنان ایرانی را نشانه می‌رود، اما در بطن و زیرلایه، برآمده از یک نگاه خط‌کشی‌شده به زنان و مردان و تقسیم‌بندی سیاه‌وسفید است که ضد خود عمل می‌کند.

این نگاه که به نظر می‌آید برآیند دیدگاه‌ها و تاثیرپذیری فیلمساز از تجربیاتی باشد که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به دست آورده و در وی رسوب کرده، به‌نوعی ویژگی «میلانی» محسوب می‌شود که می‌تواند پذیرفتنی باشد یا نه، اما به‌هرحال وجود دارد و در هر فیلم نیز به‌گونه‌ای با اغراق یا نگاهی متعادل‌تر به تصویر درآمده است؛ همان‌طور که «تسویه‌حساب» حاصل اغراق در این رویکرد است و «آتش‌بس» نگاهی متعادل‌تر به دغدغه‌های زنانه او دارد.



نکته مهم در مرور کارنامه میلانی این است که نگاه جانبدارانه و چه‌بسا اغراق‌شده او به مسایل و حقوق زنان بر بستر قصه‌هایی با لحن رئال، جدی و ملودرام به‌گونه‌ای گل‌درشت شده و غیرمنطقی و تک‌بعدی‌بودن آنها توی ذوق می‌زند؛ حال آنکه در فیلم «آتش‌بس» بستر طنز و به‌نوعی تقسیم‌شدن بده‌بستان و کنش و واکنش‌ها بین دو کاراکتر زن و مرد محوری و تلاش برای مفرح جلوه‌دادن درام رویی با تکیه بر مسایل جدی، علمی و روانشناختی، کمک کرده که این زاویه نگاه تا حدی تعدیل شده و قابل‌قبول جلوه کند و مخاطب از هر جنسیتی بتواند با دافعه کمتری فیلم را دنبال کند.

با این مقدمات و گذر از فیلم معناگرای «سوپراستار» و فیلم «یکی از ما دونفر»، به «آتش‌بس۲» می‌رسیم که به نظر می‌آید بهترین انتخاب برای ساخت یک فیلم دنباله در کارنامه میلانی باشد.

امتیاز بالقوه «آتش‌بس۲» این است که علاوه بر اینکه موفق‌ترین فیلم کارنامه میلانی را محور کار خود قرار داده، نویسنده- فیلمساز، خود را محدود به دنبال‌کردن سرنوشت کاراکترهای «آتش‌بس» یعنی سایه (مهناز افشار) و یوسف (محمدرضا گلزار) نکرده و طبعا در انتخاب کاراکترهای نمایشی و بازیگران نقش‌ها دستش باز بوده است؛ اما نکته اصلی همین‌جاست که هرچند ظاهرا شاهد قصه‌ای جدید از مسایل و مشکلات یک زوج با شخصیت‌هایی متفاوت هستیم اما همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد چراکه نوع نگاه به کاراکترها با همان زاویه خاص و تقسیم‌بندی سیاه‌وسفید است. ترانه (میترا حجار) و خسرو (بهرام رادان) زوج جوانی هستند که در آستانه سفر و در فرودگاه به روانپزشک قدیمی خود (آتیلا پسیانی) برمی‌خورند و داستان زندگی‌شان را در سال‌های غیبت او روایت می‌کنند. درواقع داستان کودکی تا ازدواج این زوج به شکل تصویری روی تیتراژ فیلم به تصویر درمی‌آید و بقیه ماجرا نیز با همان ساختار روایی قدیمی در «آتش‌بس» تعریف می‌شود.

ترانه همچون سایه یک آرشیتکت با روحیات مستقل است که مانند او دل‌خوشی از دختر به دنیا آمدن ندارد. اگر زخم قدیمی سایه از کودکی‌اش این بود که او را در خانه فرهاد صدا می‌کردند خاطره تلخ ترانه این است که پدر و مادرش به‌خاطر دختربودن او را در بیمارستان جا گذاشته‌اند هرچند مادر اصرار دارد که این اتفاق سهوی بوده است.

خسرو هم با اینکه مانند یوسف آرشیتکت نیست بلکه یک مهندسی شیمی است اما در واقعیت چیزی نیست جز مرد ایرانی امروزی با کوله‌باری از تعصبات و تفکرات مرد سنتی قدیمی که پنهانش می‌کند و مجموعه این تناقض‌ها او را تبدیل به یک موجود ضعیف، ترسو و متزلزل کرده که نشانه بارزش، ترس خسرو از پرواز است که نمی‌تواند با آن کنار بیاید و پنهانش می‌کند. این ترکیب بر بستر درامی که قرار است کنش و واکنش‌های متقابل و بده‌بستان دو کاراکتر را بر بستر مسایل روزمره زندگی به تصویر بکشد، طبعا واجد طنزی شده که به‌دلیل تکرار موقعیت‌های دراماتیک قبل و جبهه‌بندی‌های کهنه و نخنمایی که جذابیت خود را از دست داده، به ورطه شوخی‌های پیامکی و بی‌مزه‌ای می‌افتد که یک دور باطل است.

جایی هم که قرار است بچه‌داشتن این زوج کمک کند تا جنس روابط و بده‌بستان‌های آنها از سویه تکراری و تک‌بعدی خارج شده و کیفیتی متفاوت و جدید پیدا کند، همان زاویه نگاه فیلمساز وارد کار شده تا از مرد تصویر یک بچه به‌ظاهر بالغ را ترسیم کند که نوع رفتار با پسرش را در هیچ موقعیتی نمی‌داند، درحالی‌که زن با وجود ضعف‌های نهان و کوچکی که دارد مثل همیشه عاقلانه و هوشمندانه برخورد کرده و حتی با ترس‌هایش کنار می‌آید.

شاید این نگاه به شکل کلی قابل قبول باشد اما به‌دلیل حرکت در سطح، نمی‌تواند فراتر از بحث‌های روزمره و تکراری زنانه در مقصردانستن مردان، به عمق و ریشه این رفتارها نزدیک شود. همان‌طور که شک و تردیدها و تهمت‌هایی که دو طرف به هم وارد می‌کنند در واقعیت تبعاتی خطرناک‌تر از رویدادهای مفرح و طنزی دارد که در فیلم به تصویر درمی‌آید و سهل‌الوصول جلوه‌دادن آنها هم خوشایند نیست.

«آتش‌بس۲» امتیازهای بالقوه‌ای دارد که می‌توانستند بالفعل شوند و آن را تبدیل به تجربه‌ای حداقل یک‌گام جلوتر از «آتش‌بس» کند، اما با تکرار ساختار و فرم رویی و زاویه نگاه خط‌کشی‌شده نمی‌تواند حرف جدید و جذابی برای گفتن داشته باشد.